احترام سید بحرالعلوم به استاد خود وحید بهبهانی

رجوع استاد به شاگرد شاگرد؛ رجوع وحید بهبهانی به شاگرد سید بحر العلوم (شیخ جعفر کاشف الغطاء)

فرمودند:

> **الثاني: ما ذكره بعض مشايخنا المحقّقين (دام ظلّه العالي) و هو أن ّ المراد وجوب الإتمام لو وقع الاشتباه في آخر شهر رمضان، و استدل عليه بقوله عليه السلّام:«فأتم ّ صومه إلى الليل» فإنّه يقتضي أن يكون هناك صوم محقّق أو مفروض التحقّق حتّى يصح ّ الامر بالإتمام، و لم يتحقّق شيء منه‌مافي يوم الثالثين من شعبان، كيف و قد نهي صوم في صدر الحديث و أمر بقضائه إن شهد عليه أهل بلد آخر. فالمراد به إذا رأيت الهلال حال كونك صائما فأتم الصوم، يعني لو وقع هذا الاشتباه في آخر الشهر.**
>
> **و فيه نظر، أما ّ أوّلا؛ فلان ّ السؤال صريح في أن ّ الاشتباه الواقع إنما هو في تسع و عشرين من شعبان، و ليس في الرواية ما يشعر بوقوعه في آخر شهر رمضان أصلا، فحمل الجواب عليه بعيد جدا ّ، بل الوجه له[1]**

«الثاني: ما ذكره بعض مشايخنا المحقّقين دام ظلّه العالي»؛ بین وفات مرحوم وحید با مرحوم سید بحرالعلوم خیلی فاصله طولانی نبود. الآن هر دوی آنها در ذهنم حاضر نشد. به نظرم وحید ۱۲۰۵ باشند، سید ۱۲۱۲ هستند.

شاگرد: ظاهراً شاگردشان بودند.

استاد: بله، اینکه بالریب فیه است. سن وحید ۹۰ به بالا بوده. فاصله وفاتشان خیلی طولانی نشد.

حاج آقا مکرر می‌فرمودند؛ وحید در کربلا بودند و سید در نجف بودند. ایام زیارتی سید به کربلا می‌رفتند. سید بر استادشان وحید وارد شدند، وقتی وارد شدند خم شدند زانوهای وحید را بوسیدند. حاج آقا می‌فرمودند وحید فرمودند اگر حق استادی نبود نمی‌گذاشتم! چون سید بود. از چیزهایی هم که مرحوم نائینی می‌فرمودند این بود: می‌گفتند از مسائل تاریخی درمورد علماء، رجوع استاد است به شاگرد شاگرد. استاد مطلق در فتوا به شاگرد شاگردش رجوع کند. جریان را به این صورت می‌فرمودند: سید بر بیت وحید در کربلا وارد شد؛ وحید گفتند نظر شما درمورد کشمکش در غذا چیست؟ سید به وحید گفت من اشکال می‌کنم اما شیخ جعفر ما - شیخ جعفر کاشف الغطاء- اشکال نمی‌کند. شیخ جعفر کاشف الغطاء شاگرد سید بود. می‌گفتند تا به این صورت گفت، وحید به اندرونی سر کرد و گفت درست کنید!

شاگرد: مرحوم وحید حق استادی داشت، می‌توانست حق خود را ساقط کند!

استاد: نه، سید که کار خودش را کرد. ایشان خجالتی کشید و گفت اگر حق استادی نبود نمی گذاشتم. من مکرر از حاج آقا ره ود را شنیدم. از چیزهای جالب این است؛ اوائل درذهنم نبود، بعد دیدم. دیدم وقتی وحید گفته بودند درست کنید، یعنی سید همه آن روز می‌همان بود. یعنی می‌گفتند شما هم باید از این احتیاط و اشکالت دست بکشی و به شیخ جعفر مراجعه کنی! ره ود به ایشان مراجعه می‌کنیم. خُب اگر فتوا داشت که اینطور نمی‌شد؛ ظاهراً احتیاط وجوبی بوده. گمان نمی‌کنم کسی درکشمکش فتوا داشته باشد. در عصری عنبی بله. خود حاج آقا فتوا هم دارند، اما در زبیبی و تمری، احتیاط وجوبی دارند.

---

[1] کتاب رویت هلال،ج۳،ص۱۹۶۷-۱۹۸۶

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 11:41:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 11:43:16 توسط ... .